



در حاشیه ابراز تردید رسانه‌های آمریکایی
درباره سلامت روانی ترامپ



دکتر جنگ آمریکا

کارتون: محمد علی رجعی

پیامدهای
بسته ماندن
تنگه هرمز

مصاحبه با خلبان بالگرد
که به دست لره‌های غیور
سقوط کرد

رکیک
جمهور
آمریکا!



رکیک جمهور آمریکا!

همین چند روز پیش، هافینگتون پست نوشت: شبکه های تلویزیونی چین پخش مطلب ترامپ علیه ایران که در آن از کلمه ای رکیک استفاده کرده بود. به خانواده ها درباره تماشای برنامه توسط بچه ها هشدار دادند.

کمی بعد: مدیر یکی از همان شبکه های تلویزیونی گفت: فکر کنم ما کلا بهتر است بی خیال شویم و اصلا چزند و پرندهایی را که ترامپ بلغور می کند، پخش نکنیم، چون شبیه فیلم های مثبت ۱۸ است

که اگر تلویزیون بخواهد آن را برای عموم پخش کند، فقط می شود تیتراژ ابتدایی و پایانی آن را پخش کرد و هر چه این بین است، باید سانسور شود.

کمی بعد ترتر: یک سناتور آمریکایی گفت: یادتان است قبلا گفته بودم آنچه رئیس جمهور فعلی آمریکا نیاز دارد، کمی قدرت تفکر و تعقل است؟ باید بگویم اشتباه کردم و دیگر چنین نظری را ندارم. هم اکنون معتقدم آنچه بیش از هر چیز دیگری برای رئیس جمهور بیش از اندازه نامحترم لازم است، مقداری فلفل است که به دهان نامحترم ایشان ریخته شود تا دیگر حرف زشت نزند!

کمی بعد ترترتر: یکی از مشاوران ترامپ گفت: من قبل از سخنرانی اش به او گفته بودم مواظب طرز حرف زدنش باشم، چون زشت است و اینجا خانواده نشسته است. اما او گفت: من به اینکه اینجا خانواده نشسته یا خانواده ایستاده یا خانواده دراز کشیده است، کار ندارم. کلا بیشتر به جزیره آپستین علاقه دارم تا کانون گرم خانواده! وقتی هم از او پرسیدم کلا به هیچ چیز خانواده علاقه نداری؟ گفت: تنها چیز خانواده که به آن علاقه دارم، نوشابه سیاه خانواده است، به شرطی که از ته فریزر در بیاید و حسابی تگری شده باشد!

کمی بعد ترترترتر: ناظم شیفت عصر مدرسه گل های خندان واقع در شهرستان فیلا دلفیا در ایالت پنسیلوانیا بعد از اینکه سر صف به دانش آموزان گفت ادب داشته باشید گوساله ها! به خبرنگار شبکه سی ان ان گفت: متأسفانه هر قدر ما به دانش آموزانمان می گوئیم یک ذره مؤدب باشید، آن ها می گویند: «چطو به رئیس جمهور گیر ندادید؟!» و کلا یک رئیس جمهوری داریم که هر دانش آموزی حرف های بی شعوری بزند، می گوید از آقای رئیس جمهور یاد گرفتیم و همه آینده سازان این مدرسه بی ادب شده اند!

کمی بعد ترترترترتر: وزیر آموزش و پرورش آمریکا گفت ناظم مدرسه ای را که گفته بود چون رئیس جمهور بی نزاکت و بی ادب است، بچه ها هم بی ادب شده اند، از کار برکنار کردیم. این ناظم نمی دانست و آگاه نبود که اتفاقا هر چه رئیس جمهور بی نزاکت تر و بی ادب تر باشد، دانش آموزان مؤدب تر خواهند بود. زیرا وقتی لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ گفت از بی ادبان! و با توجه به این سطح از بی ادبی و بی شعوری رئیس جمهور، می توان امیدوار بود دانش آموزان آمریکا وقتی بزرگ شدند مؤدب ترین و باشخصیت ترین شهروندان جهان باشند!



سعید ترشیزی

جیره غذایی شله در صندلی ۴۳۵!

- سلام بازیافتی!
- سلام ضایعاتی!
- کار و کاسبی چطوره بازیافتی؟ بازارا خوبه؟
- نه بابا! خر!!!!!!!!!!!!!! از وقتی جنگ شده، بازار ما هم کساد شده! مردم دل به کار نمی دن و زباله ها رو تفکیک نمی کنن. اینترنت هم اختلال داره، اطلاع رسانی و فرهنگ سازی کم شده. جنگ، نون ما رو آجر کرده! حال و روز تو چطوره ضایعاتی؟
- من که تووووووووپ! اوضاعم ردیفه! وقت سرخاروندن ندارم! از اول جنگ، یک سره بار ضایعات فلز برام می آد!
- آت چه ضایعی؟! گرفتی ما رو ضایعاتی؟! توی این بلبشو کی از کجا واسه تو بار می فرسته؟!
- بار فلز می فرستن، چه باری! جنس آمریکایی اصل! مستقیم از خود آمریکن می آد کشورک های حاشیه خلیج فارس، از اونجا هوایی ارسال می شه ایران. خدا خیرشون بده، بچه های نیروهای مسلح هم روی هوا بار رو تبدیل به ضایعات می کنن و من هم روی زمین تحویل می گیرم!
- بار فلز رو هوایی می فرستن؟! خطرناک نیست؟!
- چون روی هوا منهدم می شه، خطر چندانی نداره! پهبادای هرمس و کامیکازه آلومینیوم خوبی دارن. MQ9 از چدن و مفرغ درست شده، رنگش می کنم به جای سامور قدیمی می فروشم! موشکای تاماهاوک و کروز همه ش آهنه. کیلویی می فروشم به بسازیفروشا! روی جنگنده های F15 هم ترموکوپل نصب می کنم، به جای آب گرم کن رد می کنم بره! داداش! اون گاری ت رو از جلو در بردار، بار جدید بالگرد بلک هاوک و هواپیما C130 از اصفهان برام رسیده، کمپرسی می خواد خالی ش کنه!
- چشم، الان برمی دارم! فقط ضایعاتی جان! قریون شکلت! توی انبارت چیزی نداری توش پلاستیک و کارتن داشته باشه، من جمع کنم، یه نونی هم به ما برسه؟!
- چرا اتفاقا، قاطی بار دیروز چندتا صندلی ایجکت شده ۴۳۵ هست، فکر کنم به کار تو بیاد! می گن توش جیره غذایی هم داره!
- یعنی توش شله مذارن؟!
- شله که فکککککککککک نکنم! ولی واسه ختم سربازاشون حلوا و خرما رو حتما جاساز می کنن!



کُخ تو زُخ

۱ طیس ۲؛ تکرار یک فاجعه برای آمریکا



عه نیگا قاطی جیره های غذایییش ذرتم بوده پاپ کورن شده!

همچین سوخته که ضایعاتی هم اینا رو مفت برنمی داره.

۱۰ دقیقه دیگه اینجا واستیم. از روی همین خاکسترا مهندسی معکوسش کردیم، تموم شده رفته!

۲ حملات بی امان ایران و کلافگی اهالی اسرائیل از کم شدن فاصله آذیرهای خطر



داداش پاره شدیم توی این مسیر، چرا توی همون پناهگاه خراب شده نمی مونیم؟ گرم داری مگه هی برو، هی بیا، سگ توی این زندگی.

می گم سرفاصله زمانی رفت و برگشتمون داره به کمتر از پنج دقیقه می رسه. نمی شه منم بزنی زیر بغلت مرد؟ من رواندازه یه سگ توی این زندگی حساب نمی کنی.

۳ اعزام چهار فضا نورد توسط ناسا به ماه پس از نیم قرن



این لگن از این تندتر نمی ره؟ باید زودتر از جو زمین خارج شیم. می ترسم پدافند ایران ردیابی مون کنه، به جای پرتابه متخاصم بیفته دنبالمون.

یه دقیقه پات رو از روی کلاچ بردار! هول کردی، نیم ساعته داری پدال دوش حموم رو فشار می دی، بیا این دکمه قرمز گاز شه.

۴ در حاشیه هدف گرفتن یک بالگرد و موشک کروز دشمن با اسلحه برنوی عشایر



آخ مگه دستم به این جنگنده هه نرسه! با همین برنو همچین سوراخش کنم، توش برنج آب کش کنیم.

برنج، دمی ش خوبه، صافی ش کردی، می ذاریمش تفاله گیر سینک.



مهدي محمدی

تنگه را از اینی که هست، تنگ‌تر کنیم!

هم که یادتان هست؟ اصلا قطعی نداشتیم. اما در عوض در روزهای معمولی و معتدل بهار و تابستان گذشته فرت و فرت قطعی داشتیم! لذا پیشنهاد می‌شود علاوه بر این وزیر نیرو که مرد روزهای سخت است، یک وزیر نیرو هم برای روزهای آسان داشته باشیم!

ستون ترین اقشار هفته: رئیس مجلس گفت: کارگران، صنعتگران، کسبه و عموم فعالان اقتصادی ستون فقرات این جنگ ملی هستند. ضمن تشکر از رئیس مجلس، امیدواریم این تشبیه و نگاه همچنان پایدار باشد؛ نه اینکه در عمل بینیم بعد از مدتی ناگهان همین اقشار به جای تشبیه به ستون فقرات، به کیسه آماندیس تشبیه شوند و بگویند حالا آن قدرها هم بودن و نبودنشان مهم نیست و خلاصه حرف ت از «فقرات» حذف شود تا این اقشار به «فقرا» تبدیل شوند!

داشته باشند، یعنی ۳۰ گیگابایت اینترنت را الکی الکی هدر دادی! حتی گیریم اینترنت شبانه داشته باشی، مگر بپوند علف خرس است؟ اگر موقع دانلود با خطای نبودن حافظه کافی مواجه می‌شدی، چه کار می‌کردی؟ حاضر بودی به خاطر دیدن عکس‌های خصوصی بقیه، عکس‌های خصوصی خودت را پاک کنی؟! ضمنا اگر قرار باشد کارمندان همه پیام‌رسان‌ها مثل این کارمند خصوصی دوست فیس بوک باشند، احتمالا باید موقعی که در تلگرام پیام می‌فرستیم، هنگام سین شدن پیاممان به جای دوتا تیک، شاهد سه چهار پنج تیک باشیم!

سخت ترین مرد روزهای سخت هفته: وزیر نیروی ما مرد روزهای سخت است. مثلا هفته گذشته، در حالی که به ۱۰۴۲ نقطه از شبکه برق در استان تهران طی جنگ آسیب رسیده بود، ایشان اعلام کردند که نه تنها برق همه کشور تأمین است، بلکه مازاد برق نیز داریم. جنگ دوازده روزه

تنگ ترین تنگه هفته: اعلام شد که عبور از تنگه هرمز به مجوز ایران نیاز خواهد داشت. به نظر ما بهتر است جهت اطلاع دیگر کشورها از اینکه یک من ماست حاوی چند گرم کره است، کارمند مربوط به دادن مجوز عبور از هرمز به بهانه قطع بودن سیستم یا رفتن برای خوردن صبحانه یا داشتن جلسه با مدیرعامل تنگه، به این راحتی مجوز ندهد و متقاضیان صدور مجوز تنگه را به تنگ آورد. حتی می‌تواند ارباب رجوع را اذیت کند و با یک غلط تائیدی به جای اجازه ورود به تنگه هرمز، اجازه ورود به رامهرمز را به نفت کش بدهد!

عمومی ترین حریم خصوصی هفته: در خبرها داشتیم که یک کارمند فیس بوک در بریتانیا ۳۰ هزار عکس خصوصی ملت را در فیس بوک دانلود کرده است. کاش یک آدم عاقل هم آنجا بود که به او بگوید این ۳۰ هزار عکسی را که تو دانلود کردی، اگر هر کدام یک مگابایت حجم



امیر حسین پنجه‌باشی

سُر سُر



مجتبی نظام آبادی

لته



در حاشیه ناکام ماندن دشمن آمریکایی صهیونی در رسیدن به اهداف خود در جنگ

فرماندهان ابوقدرت غرب

تانیاهو: بچه‌ها، کسی اشتراک هوش مصنوعی‌ش جا داره؟ از بس ویدئو سواختگی از خودم گرفتم، دیکه می‌که ظرفیتت پره.

جامر: احمق، چرا لبنان روزدی؟

شیخ برزاند: من زیر زمین بودم، گوشی‌م آنتن نداشت، نفهمیدم توافق شده. داشتم عملیات غرش شیران رو ادامه می‌دادم.

ژن سلمان: والا کارای تو بیشتر به میومو گریه می‌مونه تا غرش شیر.

فرمانده سنت کام: چرا توافق کردین؟ مگه قرار نبود ایران روتیکه پاره کنین؟ ما روی قول تو واسه دوتا جزیره‌ش حساب کرده بودیم.

وزیر دفاع آمریکا: دمت گرم! درست می‌که! شما حتی پول پوشک سربازتون رو هم از ما گرفتین. چه وضعشه؟

فرمانده سنت کام: همه‌ش تقصیر این تانیاها هویج مغزه! هی می‌گفت پدافند دشمن رو نابود کردم، حمله کن!

وزیر دفاع آمریکا: خب من گفتم زدم، نگفتم همه‌ش روزدم که.

فرمانده سنت کام: بی خیال، حالا دوتا دستاورد بدین من بدم رسانه هاتا ابرومون بیشتر نرفته.

وزیر دفاع آمریکا: قربان، بگین ما حالت دنده عقب ناامون روتست کردیم، دیدیم خیلی خوب از منطقه جنگ فرار می‌کنن.

هگست: من می‌گم اعلام کنین در راستای امنیت غذایی، گذاشتین پایگاه هامون رو شخم بزنن که بعد اتوش گوجه بکاریم.

وینکاف: قربان، اعلام کنین خلیانامون قایم باشک رو حرفه‌ای شدن و تونستن چند روز توی خاک دشمن قایم شن و کسی نبینتشون.

وینکاف: می‌گم این طرح تخفیف عوارض تنگه هرمز که برای کشورهایی که روزی ۱۰ بار رد می‌شن، گرفتیم. خیلی توپ بود! این رو اعلام کنین.

وینکاف: خوبه، ایول! اون اهداف اولیه که گفتین چی؟ از اونا به چیا رسیدیم؟

left the group تانیاهو

left the group فرمانده سنت کام

left the group وزیر دفاع آمریکا

blocked you ربع پهلوی

۲۳ فروردین ۱۴۰۵ / شماره ۱۳۷



گاریین: گنبد آهنین شکست خورده و موشک‌های بارش ایران سامانه‌های دفاعی اسرائیل را دور می‌زند

ما هر چه پدافند ز صهیون، زده ایم
بر گنبد آهنین، شبیخون زده ایم
در روز که جای خود، ولی شب‌ها هم
پهپاد، زیاد با پلخمون زده ایم



پاسخ سفارت ایران به درخواست بازگشایی تنگه هرمز توسط ایران: کلیدها را نگه کرده ایم

از بس که ترامپ، می‌بُرد ترمز را
یا پاره‌کنند ز های و هو، اگزوز را
ایران هم توی گاوصندوق انداخت
این دفعه کلید تنگه هرمز را



رلایں ترامپ برای زدن اماکن غیر نظامی

گپراق (۱)

همان طور که می دانید، دشمن در جنگ اخیر با حمله به کشورمان اماکن زیادی را از بین برد. ولی در روزهای آخر جنگ با حمله به زیرساخت هایی مانند پل، پالایشگاه، مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه و... روی دیگری از خوی و حشیرگی خود را نشان داد. البته برای این کارهای هم بهانه آورد که این اماکن کاربرد نظامی داشته اند و برای کمک به مردم این کار را کرده است. مثلا در پاسخ به انتقاد زدن پل نیمه ساز در کرج، گفت از آن پل نیروهای نظامی برای رفت و آمد استفاده می کرده اند! برای بررسی بیشتر سری زدیم به دفتر خاطرات رئیس جمهور آمریکا تا بفهمیم در طول این جنگ در کله زردش چه می گذشته است.

شهرآزمایش

الان نمی زیم، باید بعدا می زیم

خبرنگاران مدام سؤال می کنند چرا مدرسه را زدید؟ چرا بچه های بی گناه را کشتید؟ اولاً به شما چه؟ زدیم که زدیم، خوب کاری کردیم که زدیم. با چه جرئتی از من سؤال می کنید؟ من فقط و فقط به ملانیا جواب پس می دم و لاغیر. بعدشم، ما یک دلیل خیلی خوبی داشتیم. اگر آن مدرسه را نمی زدیم، آن ها بزرگ می شدند و ما را می زدند. بعد آن موقع مجبور می شدیم ایران را بمباران کنیم که خب این اصلا برای مردمش خوب نیست. پس این به آن در. ظهر داشتم جلو آینه ادا درمی آوردم که ملانیا سر رسید و دید. خب داشتم برای کنفرانس خبری تمرین می کردم. ملانیا خیلی عصبانی شد و دعوا کرد. البته که در این سال های زندگی مشترک، من از روی قیافه اش نفهمیدم کی خوش حال است، کی عصبانی است، کی من را دوست دارد، کی از من متنفر است، کی سیر است، کی گرسنه است، کی خوابش می آید و... ولی از کوبیدن در به هم فهمیدم عصبانی است.

B۲ هوا

امروز دستور دادم با هواپیمای B۲ یک پل را بزنند. دیشب خواب دیده بودم روی این پل لانچر موشک گذاشته اند و دارند به ما موشک پرت می کنند. زیرش هم چندتا سرباز مخفی شده بودند. کنارش هم یک عده جمع شده بودند و آتش روشن کرده بودند تا ما را آتش بزنند. برای همین تا بیدار شدم، گفتم بزنیدش! بعدا معلوم شد پل اصلا کامل نشده بوده و مردم عادی کنارش پیک نیک کرده اند. حالا به هر حال زدیم دیگر، آن هم با یک B۲ سیاه متالیک که این جوری پرواز می کند: قان قان...

اشتباه می زدن

خبر دادند یک دانشگاه ایران را هم زده ایم. بیت گفت بهانه ای برایش جور کنیم که باز خبرنگاران حرف مفت نزنند. به جرد گفتم از عمو لیندزی کمک بگیرد و یک بهانه خوب برای این حمله بتراشد. یک ساعت بعد گفتند چون در آن دانشگاه یکی از استادها کیلویی نمره می داد و ۹ را هم ۱۰ می داد، این کار باعث می شد دانشجویان بی سواد بار بیابند و فارغ التحصیل شوند و یک جای مهمی استخدام شوند و با بی سوادی شان مملکت خودشان را خراب کنند. خبردار شدم یک ورزشگاه را هم زده ایم. این بار خودم در کنفرانس خبری که هر روز برگزار می کنم، به خبرنگاران گفتم دلیلش این بوده که در آن ورزشگاه همه از یک کنار اشتباه می زده اند. به همین دلیل آنجا را با خاک یکسان کردیم تا ورزشکاران به خودشان صدمه نزنند. خلاصه که ما صلاح مردم ایران را می خواهیم؛ حتی اگر آن ها را بکشیم.



کارتون: شهرام شیرزادی

پایه

۲۲ فروردین ۱۴۰۵ / شماره ۱۲۷

۴

مرور کنید

مهمان شما گنجینه ارزشمندی از اطلاعات جنگ است. او خاطراتی دارد و اتفاقاتی را دیده است که شما ندیده اید. می توانید هر لحظه از او بخواهید که خاطره «اون موشک بزرگه که گفتمی خورد و ولی عمل نکرده»، یا «خونه اون همسایه تون که هیچی ازش نموند» را تعریف کند. حتی می توانید از او بخواهید فرق صدای جنگنده، پرتابه، پدافند و موشک را هم بیان کند. هر بار که فرد جدیدی به جمعتان اضافه شد، از مهمان بخواهید همه این خاطرات را دوباره بگوید تا کسی بی نصیب نماند!

گزارش بدهید

وقتی یکی از نزدیکانتان از حملات موشکی و پهپادی تهران، به خانه شما پناه آورده، بهترین کار ممکن این است که او را در جریان همه اخبار قرار بدهید. او باید بداند دقیقا کدام محله های تهران الان هدف اصابت قرار گرفته، چند خانه تخریب شده است و شایعات کف خیابان چه می گویند. به هر حال، از محیط دور شده است، اما هنوز روانش باید درگیر جنگ باشد دیگر!

فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی



دستورالعمل
میزبانی از هم وطنان آسیب دیده
از حمله دشمن صهیونی آمریکایی
مهمان حبیب
خداست!

مصاحبه با خلبان بالگرد که به رست لره‌های غیور سقوط کرد



لامصب بوی کبابش هوش از سر آدم می‌بره! یه سیخ تکه دار اومدم

کتبک (۲)

عبد ماکرانی

فرصتی دست داد تا خبرنگار پلخمون با خلبان ملعونی که در کشورمان سقوط کرده بود، گفت وگویی چالشی انجام دهد؛ مصاحبه‌ای که در آن به طور ویژه به غیرت و شجاعت لره‌های کشورمان اشاره شد. البته این مصاحبه مجازی بود و به صورت آنلاین انجام شد، ولی چون ما سیم‌کارت سفید نداشتیم، خلبان را مجبور کردیم تا با پیام‌رسان‌های ملی و بومی ماکانتک شود و به پرسش‌های ما پاسخ دهد.

متأسفانه دیر شده بود دیگه. همکارم از یک طرف افتاد پایین، منم با بالگرد رفتم توی کوه. بقیه‌ش رو هم که خودتون می‌دونین چی شد. **خبرنگار:** در آخر حرفی برای مردم آمریکا داری؟ **خلبان:** از همین تریبون اینترنت ملی ایرانیان استفاده می‌کنم و به هم‌وطنانم و بقیه مردم دنیا می‌گم که هیچ وقت با یک ایرانی درنیفتین؛ مخصوصاً اگه لر باشه و مخصوصاً اگه یک برنو دستش باشه. حتی اگر دست دیگه‌ش سیخ کباب باشه.

هم از دست صاحبش با آخرین سرعت فرار کنین. خلاصه تا چشمم افتاد بهشون، گفتم فرمون رو بده بالا و فقط گاز بده بریم. ولی بوی کباب این همکار بی‌شعور من رو دیوونه کرده بود. انگار هیپنوتیزم شده بود و همین طور داشتیم می‌رفتیم پایین. دیگه خودم فرمون رو گرفتم و کشیدم بالا... **خبرنگار:** یه قورت آب بخور تا نفست بیاد سر جاش و صدات دربیاد. بقیه داستان رو تعریف کن. **خلبان:** باز یادم اومد و دوباره دچار پنیک‌اتک شدم... فرمون رو کشیدم بالا که دیگه کار از کار گذشته بود. صدای تیراندازی شروع شد و در چند ثانیه دیدم از کف و دیوار بالگرد داره دود درمی‌آد. نگو این زن و مردای لر با همون تفنگای برنوشون ما رو مثل آب‌کنش سوراخ کرده بودن و اونم دود کبابشون بود که می‌اومد داخل. از اون طرف این همکار خل و چل من با بوی شدید کباب همون نیمچه عقلش رواز دست داده بود و داشت کمر بندش رو باز می‌کرد...

خبرنگار: آی‌آی! مواظب حرف زدن باش! اینجا روزن و بچه می‌خونن! **خلبان:** منظورم کمر بند ایمنی بود. خلاصه مثل مسخ شده‌ها از پشت فرمون بلند شد و در بالگرد رو باز کرد. نمی‌دونستم بالگرد رو هدایت کنم یا جلو همکار مشنگم رو بگیرم.

خبرنگار: در چه حالی؟ حالتان چگونه؟ **خلبان:** راستش من یه همکار خنگ دارم که با این دیوونه داشتیم می‌رفتیم مأموریت تا ایران رو بمبارون کنیم. وارد خاک که شدیم و به یک منطقه خاصی که رسیدیم، دیدیم یه دودی داره از زمین بلند می‌شه. فکر کردیم شاید قبل از ما کسی اونجا روزه باشه. ولی بالای دود که رسیدیم، متوجه شدیم چه بوی خوبی می‌آد. این همکار احمق من گفت بوی کبابه. ویرش گرفت ارتفاع کم کنه تا بیشتر بو کنیم. گفتم خطرناکه، نکن. ولی گوش نداد. گفت بریم سر راه یه کباب ایرانی هم بخوریم؟ گفتم دیوانه. ما الان توی جنگیم، اگه اینا گیرمون بندازن، خودمون رو کباب می‌کنن. تا ارتفاع کم کردیم و رفتیم داخل دود، یهو چشممون افتاد به چندتا سیبیل کلفت که توی یک دستشون سیخ کباب بود و تو یک دست دیگه شون تفنگ برنو.

خبرنگار: از کجا تفنگ برنو رو شناختی؟ **خلبان:** زمان دانشجویی توی کلاس اسلحه‌شناسی بهمون می‌گفتن از هر اسلحه‌ای می‌شه فرار کرد، به جز این تفنگ برنو که سلاح تخصصی قوم لر در ایرانه. استادامون می‌گفتن هروقت اینو دست کسی دیدین، هم از خودت تفنگه.



کارتون: شهرام شیرزادی

۵

۲۲ فروردین ۱۴۰۵ / شماره ۱۳۷



اکرام کنید

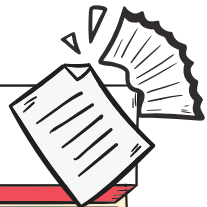
به مهمانان همیشه احترام بگذارید. بالاخره مهمان حبیب خداست، جنگ زده هم که باشد، دیگر خدا بدجوری رویش حساس می‌شود. هوایش را حسابی داشته باشید. مثلاً روزی سه وعده، مدام ازش بپرسید: الان راحتی؟ الان چی؟! یه وقت غریبی نکنیا!

باز هم حساب کنید

باز هم تأکید می‌کنیم که هیچ نگویید که مهمانان سی و چند روز است که در خانه‌تان مانده‌ها! بگویید امروز ما هرگز روزی است که موشک کروز صاف نشست وسط هال و پذیرایی‌تان! یا بگویید امروز ۳۳ روز از موج سی‌ام گذشته است و به نظرت حکمت این همه سه در کنار هم چیست؟!

حساب کنید

یک وقت به روی مهمانان نیاورید که الان سی روز است در خانه شما مانده‌ها! اگر دیدید حساب و کتاب خونتان افتاده است، از یک طرف دیگر استفاده کنید. از مهمان بخواهید دوباره خسارت‌های ساختمان محل زندگی‌اش را بگوید و بعد با قیمت روز مصالح و نرخ تورم، برایش محاسبه کنید که تعمیرات چقدر خرج برمی‌دارد. مهمانان از مهارت شما در حساب و کتاب کیف می‌کند!



ترامپ: خوردن چندتا موشک فتاح ارتش بزرگ و مجرّم ما مشتاق فتح بعدی است

صفحه 6

بی بی سی:

حتی گروه‌های مخالف ایران در منطقه می‌گویند که ایران آن قدر منطقه را با آتش باران کرده که دیگر نیازی توانسته است حرف خودش را به کرسی بنشاند نباشد

صرفاً جهت ابراز نگرانی

فرستاده ویژه سازمان ملل وارد ایران شد و پس از ابراز از ایران خارج شد

هواشناسی:

موشک‌ها برخی ورود سامانه بارشی به کشورهای منطقه از شبانه در صورت نفخ آتش بس

بانک مرکزی:

پول نفی که با آن تمامید خود کار به پیشخوان بانک‌ها بسته می‌شود، به عنوان کارمندان سالانه کارت‌های بانکی برداشت می‌شود

وزیر نیرو:

کارت سوخت من هستم نو دل‌تیر دارد

مردم نگران تأمین سوخت نباشند

بیایند در خانه

فقط زنگ خراب است

در بزنید

کارت‌ها را امانت می‌دهم



۲۲ فروردین ۱۴۰۵ / شماره ۱۲۷

آرش آرایی

یرگه

در حاشیه فاجعه شکست آمریکا

۴ کمک کنین. بد زندمون.



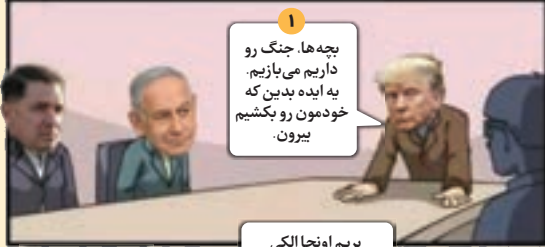
۵ چی شده!؟



۷ خدا لعنتون کنه. یکی تون لباس اون خلبان گم شده گوریه گوری رو پیوشه بیاد حداقل ماجرا رو فیلم هندی نشون بدیم، بشوره ببره!



۱ بچه‌ها، جنگ رو داریم می‌بازیم. یه ایده بدین که خودمون رو بکشیم بیرون.



۲ بریم اونجا الکی بشینیم، بعد بگیم اورانیوم رو برداشتیم.



۳ به پاکستان و ترکیه هم حمله کنیم.

۴ زیرساختاشون رو بزنیم، مردم بترسن.

ناسوس

چین: کشاورزی آمریکا زیر فشار قرار گرفته؛ بسته شدن تنگه هرمز قیمت کود را افزایش داده است. (آخرین خبر) مقام آمریکایی: رئیس جمهور ترامپ چونان سگی هار تشنه به خون است. (خبرنگاران جوان)



بیعی

لیدیز اند جنتمنز؛ اون چیزی که زیر فشار قرار گرفته، کشاورزی آمریکا نیست. دستگاه گوارشش که باید بیشتر کار کنه. کمبود کود وارداتی ش رو جبران کنه. هارها هار! خداوکیلی این آمریکا بیا به جز مک دونالد و کوکا کولا چی دارن؟ از نون تا ذرت و غلاتشون که بند پیشگیلای این وره. تنگی تنگه مون رو شل نکنند، باید بشینن دور هم ایفون سق بزنن! ببعع!



وزیر کشاورزی

کارشناسان محترم حوزه اقتصاد و سیاست بین الملل دو دقیقه امون می‌دین؟ اون کودی که دنیا گیر عبورش از تنگه ست، کود نیتروژنی و شیمیاییه. ولی بساط کردن رو خوب اومدین. چند ماه دیگه همه چی شون ته می‌کشه، می‌افتن به التماس. پایه باشین، می‌دم همین شلغم پیازای گندیده ته بازار رو هم بکنین توی پاچه شون! ها!؟



بوشوک

یه بلانسبت سگی، دور از جون‌ها پویی، چیزی مرد حسابی. خداوکیلی کسی تا حالا دیده سگ خون بخوره بزرگوار؟ خیلی خویشتن داری کردم این مدت فحش سگ دادین چیزی نگفتم. یه بیژنس پلن ویژه هم برا تو دارم بیعی؛ برو نزدیک کشتیایی که لنگر انداختن، بساط کن، بشین. پیشگیلی یک دلار بگیر، پرت کن جلوشون. ماشالا انگلیسی‌ت هم که بیسته، مشکل زبون هم نداری.

فرشته خلیان



جهان بار دیگر قدرت اعظم آمریکا را دید. پس از چهل روز جنگ، بالاخره تنگه هرمز باز شد و کشتی‌ها با عوارض می‌تونن رد بشن.



- گوتش (دبیرکل سازمان ملل): آقا کار از ابراز نگرانی کردن برای وضعیت سلامت ترامپ گذشته، این رو یک جا بستری کنین سر جدتون.
- صدراعظم آلمان: الان تنگه‌ای رو که همیشه رایگان باز بوده، پولی کردن، تو پیروز شدی؟
- فرمانده سنت کام: ایول! آقا اگه جنگ تموم شده که ما سرپا از روز زیرزمین هتلا خارج کنیم دیگه بیایم آمریکا.
- امانوئل مکران: اگه توی مدرسه معلما دو بار می‌زدن زیر گوش این دونالد درس گوش کنه، این جوری خنگ بار نمی‌اومد.
- کریستف کلمب: این پیروزی ت به قدری شیرین بود که من آرزو کردم به جای قاره آمریکا، یک گونه جانوری کشف کرده بودم که این جوری شرمنده در و همسایه نشم.
- ملانیا ترامپ: اعظم کدوم افریته‌ایه؟ شب که روی کاناپه خوابیدی، می‌فهمی قدرت اعظم بیشتره یا ملانیا.
- ترامپ: من فقط نگران ضریب هوشی بچه‌هامونم ملانیا.
- ویلموتس: من با اینکه توی غرب آسیا به بحرین و عمان می‌باختم، باز هم از تو بیشتر پیروزی کسب کردم.



ناپلئونی

دیروز چشمش به رسانه مثلا بین المللی اینترنشنال بود، حالا خودش آمده که رسانه بین المللی شود؟! نمی‌گویند اینکه تا دیروز در فضای مجازی به همه فحش و ناسزا می‌داد و عمو مومی کرد که بیایند نجاتش بدنند، حالا آمده در خیابان تا خودش و کشورش رانجات دهد؟! اصلا نمی‌گویند شما بچه‌ها را چه به تجمعات بزرگ ترها؟! ولی بالاخره شیر شدم و خورشید نرزه تصمیمم را گرفتم و پرچم جمهوری اسلامی ایران را تهیه کردم و گفتم باد اباد، هرچه می‌خواهند بگویند، من بی‌دعوت و بی‌فراخوان هر جا برای ایران لازم باشد، می‌روم. شب چهل و یکم بالاخره رفتم بین مردم و هیچ‌کس سؤالات بالا را از من نپرسید. خودشان هم فقط به خاطر ایران آمده بودند. تازه داشتند شیرینی هم پخش می‌کردند! کاش از شب اول می‌آمدم. عجب شیرین بود! گفتند دشمن مجبور شده است آتش بس کند. پس برگشتم و وانت گرفتم و جعبه‌های کنسرو ماهی، بیسکویت و نان خشک را که در خانه انبار کرده بودم، زیر چشمانم بهت زده موش‌های سوراخ‌سنبه‌های انباری خانه، بار زدم و رفتم تا خیرات گذشته خودم و شراکت در پیروزی کنم! از مردم قول گرفتم دفعه بعد جنگ که شد، زودتر من را خبر کنند. ضمنا برای من ناپلئونی بگیرند!

چون من را در کودکی به هیچ جا دعوت نمی‌کردند، تصمیم گرفتم بزرگ که شدم، بدون دعوت به هر جایی خواستم، بروم. به سرم زده بود به جای استفاده از بسته‌های محدود شبانه فضای مجازی، در تجمعات نامحدود شبانه فضای حقیقی شرکت کنم و پرچم ایران را تکان دهم. چرا آدم کلی پول باشگاه بدن‌سازی بدهد، یا اگر هم ندهد، پشت بازو در فضای مجازی نشان دهد؟! از این پرچم بزرگ‌ها می‌گیری و در هوا جوری تکان می‌دهی که پشت بازوهایت حال بیاید، در باشگاه مجانی ملی! این قدر برای رفتن دست دست کردم که شد چهل شب! با خودم می‌گفتم اگر بروم، نمی‌گویند به خاطر کیک و ساندیس آمده؟! نمی‌گویند به خاطر پست و مقام آمده؟! نمی‌گویند به خاطر حضور رسانه‌ها و نمایش عضلاتش جلو دوربین رسانه‌ها آمده؟! نمی‌گویند به خاطر تلافی قبض‌های جریمه دوربین‌ها آمده تا جلوان‌ها شکاک در بیاورد و کسی جریمه‌اش نکند؟! نمی‌گویند آمده برای دور دور و عشق و حال؟! نمی‌گویند از دست طلبکارها فرار کرده، صبح تا شب، شب تا صبح در خیابان هاست تا پیدایش نکنند؟! نمی‌گویند به خاطر اضافه‌وزنش آمده، چند قدمی هم بردارد و پزیزیم بگیرد و دیگر رژیمش را تغییر ندهد؟! نمی‌گویند اینکه تا



جعفری جوزانی (کارگردان):

ترامپ اگر به جای اپستین رفتن کتاب می‌خواند، این طور نبود!

فره‌یختگان



یک آمریکایی در پمپ‌بنزین: اگر آن گلوله‌ای که از بیخ گوش ترامپ رد شد، از داخل مجرای حلزونی گوشش رد می‌شد، وضعیت ما این نبود.

بیانیه شورای همکاری خلیج فارس: اگر به جای اینکه هر سال به خاطر اضافه‌وزن لباس‌های گشادتر بیوشیم، خود همین تنگه را گشادتر می‌کردیم، وضع فروش نفت ما این طور نبود.

نتانیاهو: گنبد آهنین ما اگر به جای کیش کردن چغوک و موساکوتقی‌های آسمان، اندازه برنوی لرها قلق‌گیری‌اش خوب بود، وضع ما این نبود.

ترامپ: خلبان ما اگر به جای استفاده از ردیاب پیشرفته، نرمة‌نون از پنجره جنگنده بیرون ریخته بود که پیدایش کنیم، وضع ما این نبود.

یک روان‌شناس: شخصیت ترامپ طوری است که حتی اگر کل کتاب‌های دنیا را هم بخواند و از بر کند، باز هم آدم نمی‌شود.



پیامدهای بسته ماندن تنگه هرمز

از آخرین بار که دیدیمتون، اندازه چندین و چند فصل تاریخ، رویداد رو کنار هم پشت سر گذاشتیم تا رسیدیم به اینجا که دنیا داره می بینه بالاخره کت تن کیه! و فعلا که کلید تنگه هرمز واس ماس! و قراره حتی بعد از این توافق آتش بس، بازم رسما کلید دار بمونیم. بریم ببینیم چند وقت دیگه در قفل باشه، چه کشورایی می رن به عصر حجر.



برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس

نمی بینی شاسی بلند داره می آد؟ برو کنار کوتوله!

هوی، بی تربیتا! من یه زمانی واسه خودم فراری کروکی بود ما!



انگلستان

بزنم دنده ۲؟

مگه نون نخوردین؟ تندتر پارو بزنین حمالا، هواپیماها رو آماده پرواز کنین.

آی کیو، اون مال وقتیه باتری نداری بدون سوخت، همین منتظیک تا حدی کارت رو راه می اندازه!



ژاپن

بخشید رئیس، من نمی تونم توی این هشتادسال عمرم اون یک میلیون صفحه کدی رو که گفتین، بنویسم!

من چی بگم که باید اینا رو ارسال کنم واسه دیتاستر؟



کره جنوبی

چطور جرئت می کنی وقتی توی قلمرو گوگوریو سوخت به دست ما نمی رسه، به فکر شکمت باشی؟

رحم کنید سرورم، فقط می خواستم سوپ رو گرم کنم.



آلمان

تازه این جوری با سوخت پاک، هوا هم آلوده نمی شه!



استرالیا

این همه علف لمبوندی، یه کم کود بده دیگه!

مگه من گاوم؟ بعدشم، حالا که دست از کود شیمیایی کوتاه شده یادکود حیوانی افتادی؟ نداریم داداش، پرو از همون پتروشیمی جون خاورمیانه ت بگیر، ایش!